



تعارض بین حقوق بشر و امنیت سیاسی: چالش‌ها و راهکارها^۱

مریم مشعشعی^۲، مرضیه پلهور^۳، علی صادقی شهربر^۴

چکیده

زمینه و هدف: تعارض بین حقوق بشر و امنیت سیاسی یکی از چالش‌های بزرگ در جوامع مدرن است که نیازمند بررسی و توجه ویژه است. حقوق بشر به عنوان یک حق و آزادی‌هایی که هر انسان به عنوان شخصیتی برابر و با ارزش باید از آن بهره‌مند باشد و امنیت سیاسی به عنوان ابزار حفظ امنیت و استقرار نظام در جامعه و کشور نقشی مؤثر را ایفا می‌کند و گاه این دو چار چالش می‌گردند. نقش این مسأله ارائه‌ی راهکارهایی جهت رفع تعارضات ایجاد شده به واسطه‌ی چالش‌ها است.

روش: در مقاله حاضر که به روش توصیفی- تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل مقالات علمی انجام شده، مطالب حقوقی مرتبط با حقوق بشر و امنیت سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است و مطالب موجود در ادبیات مرتبط با موضوع بررسی می‌شود. این مرور به ما کمک می‌کند تا دانش موجود در این زمینه را دریابیم و مفاهیم مهم را معرفی کنیم. برای انجام تحقیق، نیاز به داده‌ها و اطلاعات دقیق بود که با کمک منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و داده‌های تحلیل شده تا الگوهای ارتباطات و مفاهیم کلیدی شناسایی شوند. سپس نتایج تحقیق و استنتاج‌ها ارائه می‌شوند و به سوالات تحقیق پاسخ داده شده است.

یافته‌ها: مسأله‌ی حقوق بشر و امنیت سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است و ارائه‌ی راهکارها در حل تعارضات فی ماین، تاثیرگذار می‌باشد. از جمله راهکارهای حل تعارض بین این

۱. این مقاله برگرفته از رساله‌ی مقطع دکترا با موضوع "راهکارهای تأمین امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از نظر فقهی و حقوقی" است.

۲. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول)
pilehvar.ma@gmail.com

۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران



دو مسئله تعادل میان دو عنصر حقوق بشر و امنیت سیاسی و توسعه همکاری‌های بین‌المللی و تقویت نظام قضایی است.

تعارض بین حقوق بشر و امنیت سیاسی به واسطه چالش‌هایی وجود دارد. این تعارض‌ها شامل تضاد محدودیت حقوق اساسی در راستای امنیت سیاسی و بی‌تفاوتی نسبت به امنیت سیاسی در جهت حفظ حقوق انسانی است. راهکارهایی برای حل و فصل این تعارضات از جمله توسعه قوانین و سیاست‌های مناسب، تقویت همکاری‌های بین‌المللی، ترویج فرهنگ حقوق بشر و تعادل بین حقوق و مسئولیت‌ها ارائه گردیده. در این مقاله به این سوال که چه چالش‌ها و راهکارهایی در تعارض بین حقوق بشر و امنیت سیاسی وجود دارد؟ پاسخ داده و تأکید شده که با اتخاذ این راهکارها، می‌توان تعارض بین حقوق بشر و امنیت سیاسی را بهبود بخشید و به جامعه‌ای پویا و پایدار دست یافت. این تلاش‌ها می‌توانند به حفظ حقوق اساسی افراد و همچنین حفظ امنیت و استقرار نظم در جوامع مدرن کمک کنند.

واژگان کلیدی: حقوق، حقوق بشر، امنیت سیاسی، بین‌المللی، راهکارها، تعارض

مقدمه

حقوق بشر و امنیت سیاسی دو مفهوم مهم در جامعه بشری هستند که در بسیاری از موارد به صورت قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر در تضاد به نظر می‌رسند. حقوق بشر به مجموعه حقوق و امتیازاتی اشاره دارد که هر فرد به دلیل انسان بودن، برخاسته از شرایط انسانی خود، به آنها دسترسی دارد. این حقوق جهان‌شمول هستند و برای تمام افراد در جوامع مختلف قابل اعمال است. هیچ جامعه یا دولتی نمی‌تواند این حقوق را انکار کند. به عبارت دیگر، حقوق بشر به معنای امتیازات کلی است که هر فرد به طور طبیعی دارای آنها است. (فلسفی، ۱۹۹۵: ۹۵؛ ۱۳۷۴: ۹۵؛ Philosophical, 1995: 95; 1374: 95)

این حقوق شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. اما امنیت سیاسی به حفظ امنیت و استحکام نظام سیاسی یک کشور اشاره دارد و به عبارت دیگر امنیت سیاسی آزادی عمل در انجام کارهای مختلفی است که خواست حکومت آن را اقتضا می‌کند. (قاسمی، ۱۳۹۹: ۳۲؛ Qassimi, 2019: 32) این امنیت شامل حفظ نظم داخلی، مقابله با تهدیدات خارجی و حفظ استقلال و سلامت کشور است. تعارض بین حقوق بشر و امنیت سیاسی می‌تواند در مواردی مانند محدودیت حقوق اساسی در راستای امنیت سیاسی و یا بی‌تفاوتی نسبت به امنیت سیاسی به بهانه حفظ حقوق انسانی باشد و در قالب محدودیت حقوق شهروندی و آزادی بیان، استفاده از

شکنجه و سوء استفاده از قدرت توسط نظام‌های سیاسی برای حفظ امنیت خود و نقض حقوق انسانی در نام امنیت سیاسی رخ می‌دهد. برای حل این تعارضات، راهکارهایی می‌توان ارائه داد. این راهکارها شامل توسعه قوانین و سیاست‌هایی است که همزیستی این دو مفهوم را تضمین کنند، تقویت نظارت و حساب‌داری بر نظام‌های سیاسی، ترویج فرهنگ حقوق بشر و آموزش افراد درباره اهمیت هر دو مفهوم و ترویج گفتگو و همکاری بین نهادها و سازمان‌های مختلف می‌باشد. با این راهکارها، می‌توان در دنیای بشری، همزیستی بین حقوق بشر و امنیت سیاسی را ممکن ساخت و به تعادل بین این دو مفهوم دست یافت. این تعادل می‌تواند به توسعه پایدار و پیشرفت جامعه کمک کند و به حفظ حقوق و آزادی‌های انسانی در کنار حفظ امنیت سیاسی کمک کند.

پیشنهای تحقیق

فاطمی‌ژزاد و اسلامی در مقاله‌ی خود چنین آورده اند که؛ به نظر می‌رسد حقوق بشر در میان روابط داخلی و بین‌المللی دولت‌ها قرار دارد و تضمین اجرایی حقوق بشر در حوزه حقوق شهروندی تعبیر می‌شود. شکل‌گیری یک دولت جهانی می‌تواند امکان اجرای حقوق بشر در سطح بین‌المللی را فراهم کند. این رویکرد می‌تواند حقوق بشر را به طور قابل توجهی تقویت نماید، اما باید توجه داشت که همواره به دلیل ملاحظات مختلف، تعارضاتی وجود دارد. موسوی کریمی در مقاله‌ی خود این‌گونه می‌نویسد؛ اگرچه مفهوم حقوق بشر به طور معمول به گونه‌ای استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد همه با یک مفهوم روشن و قابل درک از آن آشنا هستند، اما در واقعیت، مفهوم و مصادق حقوق بشر با ابهامات و سوالات اساسی روبرو است. تا زمانی که این ابهامات برطرف نشوند، هرگونه بحث درباره حقوق بشر در زمینه قانون، سیاست، اقتصاد و اجتماع بی‌ثمر خواهد بود و برای رفع این ابهامات، نیازمند مطالعات فلسفی در حوزه حقوق بشر هستیم. نیری و گودرزی این‌گونه بیان داشته‌اند که با افزایش تعاملات و روابط انسانی، جهانی شدن منجر به فقدان تهدید و جنگ و برقراری آرامش در حیات انسانها شده است. در این فرایند، حقوق بشر به عنوان هدف اصلی نظام بین‌الملل، در قالب مطالعات صلح در روابط بین‌الملل، ظاهر و نمایان شده است. بنابراین، شناخت و آگاهی از تأثیر قدرتمند جهانی شدن حقوق بشر در شکل‌دهی به فرهنگ صلح، به منظور ترسیم چشم‌انداز دستیابی به صلح در روابط بین‌الملل و ارائه طرح‌ها و پیشنهادهایی برای حل بحران‌های مختلف، ضروری است و با معرفی اندیشه حقوق بشر به عنوان هسته اصلی فرهنگ، باعث تقویت مطالعات صلح مثبت و منفی در قالب نسل‌های حقوق بشر و مداخله بشر دوستانه و



مسئولیت حمایت در تعامل دو طرفه شده است و فرهنگ صلح در روابط بین‌الملل را تقویت کرده است. همچنین تصدیقی در رابطه با اهمیت مسئله امنیت در مقاله‌ی خود آورده؛ امنیت داخلی نقش پیشگیرانه دارد و عوامل تهدید امنیت در جامعه را کاهش می‌دهد و همچنین امنیت خارجی را تسهیل می‌کند. برای ایجاد این نوع امنیت، مدیریت سیاسی جامعه نیازمند تغییر و تحولات اساسی در اهداف، روش‌ها، مدیریت و برنامه‌ریزی است. علاوه بر این، امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه نیازمند عواملی مانند استحکام سیاسی، استحکام مدیریت، امنیت شغلی، امنیت فرهنگی، بهداشت روانی، ایجاد روحیه مشارکت، ایجاد محیط مؤثر و امن و خودکنترلی است (الفی، ۱۳۹۶: ۷۰)؛ (Alfi, 2016: 70) که با همکاری سایر نهادهای اجتماعی، رسانه‌ها و غیره قابل دستیابی است. با توجه به پیشنه تحقیقات و تأکید بر مسئله‌ی حقوق بشر و امنیت سیاسی به صورت مجزا، تحلیل دقیق‌تر و بیان چالش‌ها و ارائه راهکارهایی مبتنی بر بیان تعارضات این دو موضوع، از اهمیت بالایی برخوردار است که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره نشده و از آنجا که بیان راهکارها در جهت رفع تعارض حقوق بشر و مسئله‌ی امنیت سیاسی نکته‌ای حائز اهمیت است، پژوهش حاضر سعی در ارائه یافته‌های مؤثر و تأکید بر ارائه‌ی این مهمن دارد.

مبانی نظری تحقیق

۱. مفاهیم پایه

در ابتدا، نیاز است تا به تعریف دقیقی از حقوق بشر و امنیت سیاسی پردازیم.

۱-۱. حقوق: «حقوق» جمع «حق» است که در معانی مختلفی چون خلاف باطل، ثابت، عدل و داد، طلب قانونی (جوهری، ۱۳۶۹: ۴ و آذرنوش، ۱۳۹۱: ۱۳۲)؛ (Johri, 1990: 4 and Azarnoosh, 2012: 132) نصیب، بهره، حقیقت، سزاوار و آنچه شخص به حکم طبیعت، عرف، شرع یا قانون (دهخدا، بی‌تا: ۸۰۲۸ و انوری، ۱۳۸۱: ۲۵۴۷)؛ (Dehkhoda, Beta: 8028 and Anuri, 2011: 2547)، اختیار آن را دارد، آمده است. در زبان فارسی، واژه حقوق، تعاریف متعددی دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۱-۱. مجموع قواعدی که بر اشخاص در جامعه اثر می‌گذارد و حکومت را بر آن‌ها بربا می‌دارد، به حقوق معروف است. حقوق همواره به صورت جمع بکار می‌رود و برای نمایش سیستم‌ها و قوانین مختلف استفاده می‌شود؛ مانند حقوق ایران، حقوق بین‌الملل، حقوق مدنی و حقوق اسلام. اصطلاح "حقوق"

۱-۲. همچنین به عنوان علم حقوق استفاده می شود، به معنای دانشی که به تجزیه و تحلیل قوانین و تغییرات آن می پردازد. (کاتوزیان، ۱۳۴۷: ۱۳-۱۴)؛ (Katouzian 1968: 13-14) علم حقوق در تقسیم بندی اساسی خود، از دو جنبه و دو زاویه نگرش تشکیل شده است. اولی، بر اساس موضوع و دومی، بر اساس قلمرو. از نظر موضوع، علم حقوق به دو بخش حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می شود و از نظر قلمرو به دو بخش حقوق ملی (داخلی) و حقوق بین المللی تقسیم می شود. (موسیان، ۱۳۹۹: ۱۳۳)؛ (Moussovian, 2020: 133) این تقسیم از جهتی بسیار نارسا است؛ زیرا نه تنها رشته های حقوقی سایر علوم اجتماعی را دربر نمی گیرد، بلکه از نظر رشته های اصلی علم حقوق نیز کامل نیست و بخشنی از رشته ها را می توان به اعتباری ذیل حقوق عمومی قرار داد و به اعتبار دیگر، ذیل حقوق خصوصی (کاتوزیان، ۱۳۴۷: ۸۱)؛ (Katouzian 1968: 13-14)

۱-۳. برای تنظیم روابط اجتماعی و حفظ نظم، حقوق به هر فرد امتیازها و توانایی های خاصی در مقابل دیگران اعطا می کند. این امتیازها و توانایی ها به عنوان حقوق فردی شناخته می شوند و شامل حقوقی مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و حق زوجیت می شود. (کاتوزیان، ۱۳۴۷: ۱۳)؛ (Katouzian 1968: 13-14)

۲-۱. **حقوق بشر:** حقوق بشر (human rights) به مجموعه اصول و استانداردهای حقوقی اطلاق می شود که برای حفاظت از حقوق اساسی و کرامت انسانی تشکیل شده است. آنچه از اطلاق برمی آید این است که حقوق بشر، یک اصطلاح نسبتاً جدید است که پس از جنگ جهانی تاریخ بر می آید این است که حقوق بشر، معنای متفاوتی از حقوق بشر دارد. می توان آن را به این صورت دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد محاورات روزمره شد. این اصطلاح بر اساس نظریه هایی درباره ماهیت حقوق، معنای متفاوتی از حقوق بشر دارد. می توان آن را به این صورت تعبیر کرد که حقوق بشر، حقوقی است که هر انسان به دلیل انسان بودن و بدون توجه به عواملی مانند نژاد، جنسیت، رنگ پوست، زبان و دین، از آن بهره مند است. هدف اصلی ایجاد حقوق بشر، حمایت از افراد و گروه هایی است که حقوق و آزادی هایشان توسط دولت ها یا افراد بیگانه نقض می شود. شرایط اجتماعی یا قابلیت های فردی خود، از آن بهره مند است. این عبارت جایگزین اصطلاح های "حقوق طبیعی" (Natural Rights) و "حقوق انسان" (Rights of man) شده است که قدمتی بیشتر دارند. (کمالی گوکی، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹)؛ (Kamali Goki, 2014: 58-59) بر این اساس حقوق مدنی و سیاسی در نسل اول حقوق بشر قرار گرفت و در طول تاریخ، با پیشرفت خود و نسل های بعدی، اقسام دیگری از حقوق را نیز شامل شد. حقوق بشر، علاوه بر تأثیر اخلاقی و



فلسفی، از نظر حقوقی نیز بر پیمان بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر تکیه می‌کند و دولت‌های امضاکننده، متعهد به رعایت آن در قوانین داخلی خود هستند. (کاتوزیان، ۱۳۴۷: ۲۴؛ ۱۹۶۸: ۱۳-۱۴)

۳-۱. امنیت سیاسی: معنای لغوی "امنیت سیاسی" به مجموعه‌ای از مفاهیم می‌پردازد که با هم ترکیب شده‌اند:

"امنیت" در لغت به معنای در امان بودن، بی‌ییمی، آسایش و بی‌هراسی است (معین، ۱۳۷۵: ۳۵۴؛ Moin, 1996: 354). همچنین به معنای حفاظت و محافظت از چیزی یا کسی که در برابر خطرات، تهدیدات و ضررها متحمل استفاده می‌شود. (قریشی، ۱۳۵۲: ۱۲۳؛ Qureshi, 1973: 123)

"سیاسی" به معنای مربوط به سیاست، نظام سیاسی و فرایندهای سیاسی است. بنابراین، به طور کلی، معنای لغوی "امنیت سیاسی" به مفهوم حفاظت و محافظت از نظام سیاسی، فرایندهای سیاسی و نظم سیاسی در برابر تهدیدات و خطرات ممکن استفاده می‌شود. (قاسمی، ۱۳۹۸: ۳۲؛ Qassimi, 2018: 32)

۲. تعارضات موجود

۲-۱. محدودیت حقوق اساسی در راستای امنیت سیاسی

دولت‌ها در بسیاری از موارد، به منظور حفظ امنیت سیاسی، به محدودیت حقوق اساسی افراد می‌پردازند. این محدودیتها ممکن است شامل محدودیتهایی برای آزادی بیان، حق به دست آوردن اطلاعات، حق تجمع و حقوق دیگر باشد. این تدابیر امنیتی، در برخی موارد می‌تواند به نقض حقوق بشر منجر شود. با این حال، نقض حقوق بشر به معنای کامل نادیده گرفتن حقوق بشر توسط دولت‌ها نیست. بلکه به معنای محدود کردن یا تضعیف حقوق اساسی افراد به دلیل اولویت‌های امنیتی است. در برخی موارد، این تدابیر امنیتی ممکن است به دلیل تهدیدات جدی امنیتی وجود داشته باشد، و یا تغییراتی که خود عامل آن نیستند را پذیرند (قاضی‌زاده، ۱۴۰۱: ۸۵؛ Qazizadeh, 2022: 85) اما در بسیاری از موارد، این تدابیر می‌توانند به سوءاستفاده از قدرت توسط دولت‌ها منجر شوند و ارتباط بین دولتمردان و شهروندان را به مخاطره اندازد. (یثربی، ۱۳۹۰: ۶؛ Yathrabi, 2011: 6) بنابراین، حفظ تعادل بین امنیت سیاسی و حقوق اساسی افراد چالشی است که دولت‌ها باید با آن روبرو شوند. ضرورت وجود تدابیر امنیتی در برخی موارد قابل فهم است، اما این تدابیر باید با رعایت حقوق بشر و اصول بنیادین آنها اجرا شوند. همچنین، نیاز به نظارت

مستمر و مستقل بر فعالیت‌های دولت‌ها در این زمینه وجود دارد تا از نقض حقوق بشر جلوگیری شود و حقوق اساسی افراد حفظ شود بنابراین می‌توان گفت که در بسیاری از موارد، دولت‌ها در نظارت بر امنیت سیاسی، به محدودیت حقوق اساسی افراد می‌پردازند و این می‌تواند منجر به نقض حقوق بشر شود.

۲-۲. حفاظت از حقوق انسانی، بی‌تفاوتی نسبت به امنیت سیاسی

در راستای حفاظت از حقوق انسانی، دولت‌ها باید به بی‌تفاوتی از امنیت سیاسی مردم توجه کنند. این به معنای این است که دولت‌ها نباید به دلیل اولویت‌های امنیتی، از مسئولیت حفاظت از حقوق شهروندان خود عبور کنند. بر عکس، آنها باید تلاش کنند تا همزمان با حفظ امنیت سیاسی، حقوق اساسی افراد را نیز حفظ کنند. بی‌تفاوتی نسبت به امنیت سیاسی مردم، می‌تواند منجر به انتقال مسئولیت دولت در حفاظت از شهروندان شود. اگر دولت‌ها به تدبیر امنیتی خود اولویت بیشتری بد亨ند و حقوق اساسی افراد را نادیده بگیرند، ممکن است مسئولیت حفاظت از شهروندان به دست سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی منتقل شود. این امر می‌تواند منجر به کاهش اعتماد عمومی به دولت و نقض حقوق بشر شود. بنابراین، دولت‌ها باید توازن مناسبی بین حفظ امنیت سیاسی و حقوق اساسی افراد برقرار کنند. آنها باید تدبیر امنیتی خود را با رعایت حقوق بشر و اصول بنیادین آنها اجرا کنند. همچنین، دولت‌ها باید مسئولیت حفاظت از شهروندان را به عهده بگیرند و نباید این مسئولیت را به سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی منتقل کنند. در نهایت، نیاز به شفافیت و نظارت مستقل بر فعالیت‌های دولت در زمینه حفاظت از حقوق انسانی قابل توجه است. این امر می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی نسبت به دولت و تضمین حقوق اساسی افراد کمک کند و مشارکت مردم و جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و نظارت بر فعالیت‌های دولت نیز اهمیت دارد تا به حفظ حقوق انسانی بپردازیم. (غرایاق زندی، ۱۴۰۲: ۲۰۹؛ gharayaghzandi, 2023: 209)

۳. راهکارها

۳-۱. تعادل میان دو عنصر حقوق بشر و امنیت سیاسی

تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی اساساً مسئله‌ی پیچیده‌ای است که نیازمند یک رویکرد متعادل و دقیق است. این دو عنصر، در جوامع دموکراتیک، هر دو به عنوان ارزش‌های اصلی تلقی می‌شوند، اما در برخی مواقع این دو ممکن است با یکدیگر تضاد داشته باشند. برای برقراری تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی، ارتقای حکومت قانون، نظام قضایی قوی و



مستقل، و حفظ حقوق مدنی از اهمیت بالایی برخوردار است. حاکمیت قانون و رعایت حقوق اساسی در کنار برقراری امنیت سیاسی، باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ امنیت و استقرار نظم اجتماعی، حقوق و آزادی‌های انسانی و شهروندان را تأمین کند. یکی از راه حل‌های ممکن برای برقراری تعادل، برگزاری انتخابات رقابتی و عادلانه است. انتخابات در یک سیستم دموکراتیک، به شهر وندان این امکان را می‌دهد تا نمایندگان به مجلس یا ارکان دولتی راه یابند و وظیفه‌ی آن‌ها حفظ و تأمین حقوق اساسی و امنیت سیاسی است. انتخابات دموکراتیک و امکان مشارکت در فرآیند سیاسی، می‌تواند تعادلی از تناقضات موجود در این دو عنصر را کمزنگ کند. علاوه بر این، قدرت مستقل نهادهای نظارتی و قضایی نیز بسیار حائز اهمیت است. تضمین و حفظ استقلال دستگاه قضایی، به عنوان نهادی مستقل از قدرت مطلق و تأمین انصاف در نظام دموکراتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نهاد مسئول بررسی شکایات و تضمین حقوق شهروندان، در کنار برقراری امنیت سیاسی است و می‌تواند نقش مهمی در محافظت از حقوق اساسی و بهبود تعادل میان دو عنصر فوق ایفا کند. در نهایت، آرمان اجتماعی در راستای برابری و عدالت نیز می‌تواند در جهت برقراری تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی تأثیرگذار باشد. اشاعه‌ی فرهنگی برای احترام به حقوق انسانی، فرهنگ‌سازی در بین افراد و تشویق به مشارکت گسترده در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، می‌تواند باعث افزایش تعداد حمایت‌کنندگان حقوق اساسی و در نتیجه تقویت تعادل میان این دو عنصر شود. (غرایاق زندی، ۲۰۲۳: ۲۵۰؛ gharayaghzandi, 2023: 250)

به طور خلاصه، برقراری تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی نیازمند یک رویکرد جامع، کامل و متعادل است. تضمین حقوق مدنی، مشارکت گسترده در فرآیند سیاسی، دستیابی به امنیت سیاسی و استقلال دستگاه قضایی، از جمله راه حل‌های مهمی هستند که می‌تواند تعادل میان این دو مولفه را برقرار کند.

۲. تعادل میان حقوق اساسی و امنیت سیاسی: برای حفظ امنیت سیاسی، دولت‌ها ممکن

است نیاز به محدودیت برخی از حقوق اساسی افراد داشته باشند. اما باید توجه داشت که این محدودیت‌ها به حداقل ممکن محدود شوند و با احترام به حقوق بشر، تعادلی بین دو جنبه برقرار شود. از آنجا که تعادل میان حقوق اساسی و امنیت سیاسی یکی از گزاره‌هایی است که می‌تواند برای رفع تعارض میان حقوق بشر و امنیت سیاسی کمک کننده باشد راهکارهایی با توجه به آنها ذکر می‌گردد:

۱-۲. تعریف دقیق حقوق اساسی و مسئولیت‌های دولت: تعریف دقیق حقوق اساسی و تعیین مسئولیت‌های دولت در حفاظت از این حقوق، می‌تواند به ایجاد تعادل کمک کند.

حقوق اساسی: حقوق اساسی عبارتند از حقوق و آزادی‌های بنیادینی که هر فرد برابر با دیگران برخوردار است و دولت مسئول حفظ و احترام این حقوق است. این حقوق می‌توانند شامل حقوق مدنی و سیاسی (مانند آزادی بیان، حق رأی دادن و حق به دست آوردن عدالت)، حقوق اقتصادی و اجتماعی (مانند حق به تحصیل، بهداشت و مسکن) و حقوق فرهنگی و مذهبی (مانند آزادی عقیده و دین) باشند و دولت مسئول حفاظت از حقوق اساسی همه شهروندان است. این مسئولیت شامل تضمین و احترام به حقوق اساسی، ایجاد قوانین و سیاست‌های مناسب برای حفظ این حقوق، ارائه خدمات عمومی و ایجاد ساختارهای قضایی و اجرایی قوی برای حفظ حقوق اساسی است. این تعریف‌ها می‌توانند در قوانین و مقررات مشخص شوند.

تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی: تعریف دقیق حقوق اساسی و تعیین مسئولیت‌های دولت در حفاظت از این حقوق، می‌تواند به ایجاد تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی کمک کند. این به این معنی است که دولت باید در تدبیر امنیتی خود، حقوق اساسی را رعایت کند و از تحقق امنیت سیاسی به هزینه حقوق اساسی اجتناب کند. به عنوان مثال، دولت می‌تواند قوانین و سیاست‌هایی را اجرا کند که همزمان با حفظ امنیت، حقوق اساسی را تضمین کند و از سوءاستفاده از تدبیر امنیتی برای سرکوب حقوق اساسی جلوگیری کند. در نهایت، تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی نیازمند تعاون و همکاری بین دولت، جامعه مدنی و سایر نهادها است تا به حفظ حقوق اساسی و همچنین امنیت سیاسی پردازند. (غایاق زندی، ۱۴۰۲: ۱۲۶؛ gharayaghzandi, 2023: 126)

۲-۲. استفاده از قوانین و نظامی متعادل برای حفظ امنیت سیاسی: استفاده از قوانین و نظامی متعادل با رعایت حقوق بشر به منظور حفظ امنیت سیاسی می‌تواند از نقض حقوق اساسی جلوگیری کند.

قوانين متعادل: قوانین باید به طور متعادل و عادلانه تدوین شوند تا همزمان با حفظ امنیت سیاسی، حقوق اساسی را تضمین کنند. این به این معنی است که قوانین باید به تعادل بین نیازهای امنیتی و حقوق اساسی توجه کنند و از تدبیر افراطی و سرکوبی خودداری کنند. به عنوان مثال،



قوانين باید محدودیت‌های قانونی را برای حفظ امنیت در نظر بگیرند، اما به طور همزمان حقوق اساسی را به حداقل برسانند.

رعایت حقوق بشر: در تدوین و اجرای قوانین، باید حقوق بشر را رعایت کرد. این به این معنی است که هیچ قانونی نباید با موازین حقوق بشر در تضاد باشد و از نقض حقوق اساسی پرهیز کند. به عنوان مثال، قوانین باید از استفاده از شکنجه، بازداشت و سرکوب آزادی بیان پرهیز کنند.

نظام قضایی مستقل: برای جلوگیری از نقض حقوق اساسی، نظام قضایی باید مستقل و بی طرف باشد. این به این معنی است که قوانین باید به طور عادلانه و بدون تعیین اجرا شوند و هرگونه نقض حقوق اساسی مورد پیگیری قضایی قرار گیرد. نظام قضایی باید از تأثیرات سیاسی و دیگر تعارضات منافع خودداری کند و به عنوان ناظری بر رعایت حقوق اساسی عمل کند. نتیجه آن که استفاده از قوانین و نظامی متعادل با رعایت حقوق بشر نیازمند همراهی بین دولت، نهادهای قضایی، سازمان‌های حقوق بشر و جامعه مدنی است تا به حفظ امنیت سیاسی و همچنین حقوق اساسی پردازند. (قاسمی، ۱۳۹۹: ۹۶؛ Qassimi, 2019: 96)

۳-۲. افزایش همکاری بین المللی: ترویج همکاری و تعامل بین جوامع مختلف با هدف دستیابی به تفاهم‌هایی که حفظ همزیستی و امنیت هر دو را شامل گردد، می‌تواند به ایجاد تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی کمک کند. در ادامه، به توضیح این موضوع می‌پردازیم:

۱. ایجاد تفاهم: ترویج همکاری و تعامل بین جوامع مختلف می‌تواند به ایجاد تفاهم و توافقاتی که حفظ همزیستی و امنیت هر دو را شامل می‌شود، کمک کند. این تفاهمات می‌توانند شامل توافقات بین المللی، مذاکرات صلح و توافقات دیپلماتیک باشند. این تفاهمات می‌توانند به تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی کمک کنند، زیرا همزیستی و امنیت هر دو، جامعه را در نظر می‌گیرند.

۲. تبادل اطلاعات: همکاری و تعامل بین جوامع مختلف می‌تواند به تبادل اطلاعات و اطلاعات مربوط به امنیت کمک کند. این تبادل اطلاعات می‌تواند به تشخیص و پیشگیری از تهدیدهای امنیتی کمک کند، و این در حالی است که حقوق اساسی را حفظ می‌کند. پس با تبادل اطلاعات، می‌توان به طور همزمان از تهدیدهای امنیتی پیشگیری کرده و حقوق اساسی را تضمین کرد.

۳. توسعه همکاری مشترک: همکاری و تعامل بین جوامع مختلف می‌تواند به توسعه همکاری مشترک در زمینه‌هایی مانند تجارت، فناوری، فرهنگ و آموزش کمک کند. این همکاری

مشترک می‌تواند به تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی کمک کند، زیرا با ایجاد و بهبود روابط و تعاملات سازنده، امکان تضمین حقوق اساسی و حفظ امنیت سیاسی بیشتر می‌شود.

در نهایت می‌توان اینگونه بیان کرد که مشارکت و تعامل بین جوامع مختلف نیازمند تلاش‌های مشترک از سوی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، جوامع مدنی و فعالان می‌باشد. این تلاش‌ها باید به منظور تحقق همزیستی، امنیت سیاسی و حقوق اساسی باشند. (احمدی، ۱۳۹۹: ۸۴)؛

(Ahmadi, 2019: 84)

۳. توسعه قوانین و مقررات: دولت‌ها باید قوانین و مقررات مناسبی را برای حفظ امنیت سیاسی و حقوق بشر ارائه دهند. این قوانین باید شفاف و قابل اجرا باشند و به اندازه کافی حمایت از حقوق اساسی افراد را تضمین کنند. با توجه به این مطلب راهکارهایی متناسب با این مسئله ذکر می‌گردد:

۱-۳. تدوین قوانین معادل: قوانین باید متناسب و معادل بوده تا هم حقوق اساسی افراد تضمین شود و هم امنیت سیاسی حفظ گردد. این قوانین باید با رویکردنی که از نقض حقوق انسانی جلوگیری کند، تهیه شوند.

۲-۳. استفاده از مکانیسم‌های نظارتی مستقل: ایجاد سازوکارهایی مستقل از دولت برای نظارت بر رعایت قوانین و مقررات می‌تواند به تضمین حقوق انسانی کمک کند و در عین حال امنیت سیاسی را حفظ نماید.

۳-۳. آموزش و اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی جامعه درباره قوانین و مقررات مربوط به حقوق انسانی و امنیت سیاسی، می‌تواند هم در آگاهی مردم و هم در پیشگیری از تعارض میان دو مفهوم اساسی اثرگذار باشد.

تعادل میان قوانین و مقررات، اگر به طور صحیح و کارآمد اجرا شود، می‌تواند تضمین حقوق اساسی افراد و هم‌زمان حفظ امنیت سیاسی را بهبود بخشد و از تعارض میان این دو مسئله‌ی اصلی جلوگیری نماید. (احمدی، ۱۳۹۹: ۸۸)؛

۴. تقویت نظام قضایی: برای حل تعارضات بین حقوق بشر و امنیت سیاسی، نظام قضایی باید مستقل و کارآمد باشد. افراد باید اعتماد کنند که در صورت نقض حقوق‌شان، می‌توانند به دادگاه مراجعه کنند و عدالت را دریافت کنند. راهکارهای تقویت نظام قضایی را می‌توان اینگونه برشمرد:



- ۴-۱. استقلال قضایی:** ایجاد سیستمی که از تداخلات سیاسی جلوگیری کند و امکان تداخل در امور قضایی را کاهش دهد. این اقدام می‌تواند به اجرای صحیح حقوق اساسی کمک کند.
- ۴-۲. آموزش و آگاهی عمومی:** آگاهی مردم از حقوقشان و نقش دستگاه قضایی در حفاظت از این حقوق، می‌تواند از تعارض میان حقوق بشر و امنیت سیاسی جلوگیری کند. به عبارت دیگر با تقویت نظام قضایی و ارتقاء عدالت در فرایند قضایی، افراد اعتماد بیشتری به دستگاه قضایی خواهند داشت و به آن مراجعه خواهند کرد. این تقویت نظام قضایی می‌تواند به تعادل بین حقوق بشر و امنیت سیاسی کمک کند، زیرا با داشتن یک نظام قضایی قوی و مستقل، حقوق افراد حفظ می‌شود و در عین حال امنیت سیاسی نیز تضمین می‌گردد.
- ۴-۳. اصلاح قوانین:** به روزرسانی و بهبود قوانین مربوط به حقوق بشر و مسائل سیاسی. قوانینی که تضمین کننده حقوق اساسی افراد باشند و هم‌زمان امنیت سیاسی را حفظ کنند، می‌توانند از تضادها در این زمینه‌ها جلوگیری کنند. (قاضی‌زاده، ۱۴۰۱: ۷۷؛ Qazizadeh, 2022: 77)
- ۴-۴. تقویت نظام قضایی:** از طریق این اقدامات می‌تواند کمک کند تا تعارضات میان حقوق بشر و امنیت سیاسی کاهش یابد و همزمان از اجرای صحیح حقوق اساسی جامعه حمایت نماید.
- ۵. همکاری بین‌المللی:** تعادل بین حقوق اساسی در راستای امنیت سیاسی و حقوق انسانی می‌تواند از طریق تدبیری مانند توسعه قوانین و مقررات شفاف و قابل اجرا، تقویت نظام قضایی مستقل و کارآمد، و افزایش آگاهی افراد درباره مسئله‌ی حقوق بشر و امنیت سیاسی اتخاذ شود. با این دیدگاه، همکاری بین‌المللی نیز به عنوان یکی دیگر از موازنه‌های مناسب بین این دو مسئله قابل توجه هستند چراکه تعارضات بین حقوق بشر و امنیت سیاسی مسئله‌ای جهانی است. بنابراین، همکاری بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای تعیین استانداردها و حفظ حقوق بشر در مقابل تهدیدات امنیتی بسیار حائز اهمیت است. در همین راستا راهکارهایی عنوان می‌گردد که می‌توانند بین حقوق بشر و امنیت سیاسی به لحاظ در نظر گرفتن تعاملات بین‌المللی تعادل برقرار سازند:

- ۵-۱. تبادل تجربیات:** ایجاد فرصت‌های بین‌المللی برای کشورها به منظور به اشتراک گذاری تجربیات و روش‌های موفق در حوزه حقوق بشر و امنیت سیاسی.

در توضیح این مسأله اینگونه می‌توان بیان نمود که ایجاد فرصت‌های بین‌المللی برای کشورها به منظور به اشتراک گذاری تجربیات و روش‌های موفق در حوزه حقوق بشر و امنیت سیاسی می‌تواند به تعادل بین این دو مسئله کمک کند. در ادامه، این موضوع تشریح می‌نماییم:
با ایجاد فرصت‌های بین‌المللی، کشورها می‌توانند تجربیات و دانش خود را در حوزه حقوق بشر و امنیت سیاسی با یکدیگر به اشتراک بگذارند. این تبادل دانش و تجربیات می‌تواند به تعادل بین حقوق بشر و امنیت سیاسی کمک کند، زیرا کشورها می‌توانند از تجربیات موفق یکدیگر در این زمینه استفاده کنند و روش‌هایی را که در حفظ حقوق بشر و امنیت سیاسی موثر بوده‌اند، به کار ببرند. در بعدی دیگر، با ایجاد فرصت‌های آموزشی بین‌المللی، کشورها می‌توانند در حوزه حقوق بشر و امنیت سیاسی از یکدیگر مسائل کاربردی را بآموختند زیرا این آموزش‌ها می‌توانند به تعادل بین حقوق بشر و امنیت سیاسی کمک کنند، به این دلیل که با آموزش روش‌های موثر در حفظ حقوق بشر و امنیت سیاسی، کشورها می‌توانند این دو مسئله را بهبود بخشنند. (قاضیزاده، ۱۴۰۱: ۱۸۴؛ Qazizadeh, 2022: 184)

۳. تشكیل کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی: یکی دیگر از موارد برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی در حوزه حقوق بشر و امنیت سیاسی است که می‌تواند به تعادل بین این دو مسئله کمک کند. در این نشست‌ها، کشورها می‌توانند تجربیات و روش‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و به دنبال راهکارهای مشترک برای حفظ حقوق بشر و امنیت سیاسی باشند.

در نتیجه ایجاد فرصت‌های بین‌المللی برای کشورها به منظور به اشتراک گذاری تجربیات و روش‌های موفق در حوزه حقوق بشر و امنیت سیاسی می‌تواند به تعادل بین این دو مسئله کمک کند. این فرصت‌ها می‌توانند با تبادل دانش و تجربیات، ایجاد فرصت‌های آموزشی و برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی، به تعادل بین حقوق بشر و امنیت سیاسی کمک کنند.

۴-۵. توسعه استانداردها و مقررات: توسعه استانداردها و قوانین جهانی برای حمایت از حقوق بشر و همچنین حفظ امنیت سیاسی، به منظور رفع تعارض میان دو این مفهوم

۵-۳. توجه به رفاه عمومی: تمرکز بر سلامت و رفاه جوامع به عنوان بنیان حفظ و توسعه حقوق بشر و امنیت سیاسی، و ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی.

حفظ و ارتقاء سلامت و رفاه جوامع می‌تواند به تعادل بین حقوق بشر و امنیت سیاسی کمک کند. زیرا وجود جوامع سالم و مرفه، به معنای حفظ حقوق اساسی افراد و ایجاد زمینه‌ای برای



آرامش و استقرار امنیت سیاسی است. بنابراین، تمرکز بر سلامت و رفاه جوامع می‌تواند به تعادل بین این دو مسئله کمک کند. همچنین در این مقوله، توسعه پایدار نیز می‌تواند به تعادل بین حقوق بشر و امنیت سیاسی کمک کند. با توجه به اینکه توسعه پایدار شامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، این روند می‌تواند بهبود وضعیت حقوق بشر و امنیت سیاسی را در کشورها تسهیل کند زیرا توسعه پایدار، به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع توجه دارد و در نتیجه، به تعادل بین این دو مسئله کمک کند. (Qassimi, 2019: 100؛ قاسمی، ۱۳۹۹: ۱۰۰)

نتیجه‌گیری

حقوق بشر و امنیت سیاسی دو مفهوم مهم در جامعه هستند. حقوق بشر به مجموعه حقوق و امتیازاتی اشاره دارد که هر فرد به دلیل انسان بودن به آنها دسترسی دارد. اما امنیت سیاسی به حفظ امنیت و استحکام نظام سیاسی یک کشور اشاره دارد. تعارض بین این دو مفهوم می‌تواند در مواردی مانند محدودیت حقوق اساسی در راستای امنیت سیاسی و یا بی‌تفاوتی نسبت به امنیت سیاسی رخ دهد. برای حل این تعارضات، راهکارهایی می‌توان ارائه داد، از جمله توسعه قوانین و سیاست‌هایی که همزیستی این دو مفهوم را تضمین کنند، تقویت نظارت و حساب‌داری بر نظام‌های سیاسی، ترویج فرهنگ حقوق بشر و آموزش افراد درباره اهمیت هر دو مفهوم و ترویج گفتگو و همکاری بین نهادها و سازمان‌های مختلف. این تعادل می‌تواند به توسعه پایدار و پیشرفت جامعه کمک کند و به حفظ حقوق و آزادی‌های انسانی در کنار حفظ امنیت سیاسی کمک کند.

حقوق بشر به مجموعه اصول و استانداردهای حقوقی برای حفاظت از حقوق اساسی و کرامت انسانی اشاره دارد. این حقوق برای همه انسان‌ها بدون توجه به عواملی مانند نژاد، جنسیت، رنگ پوست، زبان و دین قابل استفاده است. هدف اصلی حقوق بشر، حمایت از افراد و گروه‌هایی است که حقوق و آزادی‌هایشان توسط دولتها یا افراد بیگانه نقض می‌شود. حقوق بشر بر پیمان بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر تکیه می‌کند و دولتهای امضاکننده متعهد به رعایت آن هستند.

امنیت سیاسی به معنای حفاظت و محافظت از نظام سیاسی، فرایندهای سیاسی و نظم سیاسی در برابر تهدیدات و خطرات است. دولتها در بسیاری از موارد به منظور حفظ امنیت سیاسی، محدودیت‌هایی برای حقوق اساسی افراد اعمال می‌کنند. این محدودیت‌ها ممکن است به نقض حقوق بشر منجر شود. برای حفظ تعادل بین امنیت سیاسی و حقوق اساسی، دولتها باید به

بی تفاوتی از امنیت سیاسی مردم توجه کنند و هم زمان با حفظ امنیت، حقوق اساسی افراد را نیز حفظ کنند. بی تفاوتی نسبت به امنیت سیاسی می تواند منجر به انتقال مسئولیت حفاظت از شهر و ندان به سازمانها و نهادهای غیر دولتی شود. دولت‌ها باید توازن مناسبی بین حفظ امنیت سیاسی و حقوق اساسی افراد برقرار کنند و مسئولیت حفاظت از شهر و ندان را به عهده بگیرند. نیاز به شفافیت و نظارت مستقل بر فعالیت‌های دولت در زمینه حقوق انسانی نیز حائز اهمیت است.

تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی نیازمند رویکرد متعادل و دقیق است. برقراری تعادل نیازمند ارتقای حکومت قانون، نظام قضایی قوی و مستقل، حفظ حقوق مدنی و برگزاری انتخابات رقابتی و عادلانه است. قدرت مستقل نهادهای نظارتی و قضایی نیز حائز اهمیت است. آرمان اجتماعی در راستای برآبری و عدالت نیز می تواند در برقراری تعادل مؤثر باشد. به طور خلاصه، تضمین حقوق مدنی، مشارکت گسترشده در فرآیند سیاسی، دستیابی به امنیت سیاسی و استقلال دستگاه قضایی، از جمله راه حل‌های مهمی هستند که می تواند تعادل میان این دو مولفه را برقرار کند.

تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی نیازمند تعریف دقیق حقوق اساسی و مسئولیت‌های دولت در حفاظت از آنها است. استفاده از قوانین و نظامی متعادل برای حفظ امنیت سیاسی و رعایت حقوق اساسی مهم است. همچنین، افزایش همکاری بین المللی و توسعه همکاری مشترک در زمینه‌های مختلف می تواند به تعادل بین این دو عنصر کمک کند.

توسعه قوانین و مقررات مناسب، استفاده از مکانیسم‌های نظارتی مستقل و آموزش و اطلاع‌رسانی می تواند به تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی کمک کند. تقویت نظام قضایی و اصلاح قوانین نیز می تواند در این زمینه مؤثر باشد. همچنین، همکاری بین المللی و توسعه استانداردها و مقررات جهانی، به تعادل بین این دو مسئله کمک می کند. توجه به رفاه عمومی و توسعه پایدار نیز می تواند به تعادل بین حقوق اساسی و امنیت سیاسی کمک کند.

منابع

- آذرنوش، آذرتابش (۱۳۹۱)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، انتشارات نشر نی.
- احمدی، رضا، صالح‌نیا، علی، شهباز، حسن (۱۳۹۹)، درآمدی بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)



- الفی، محمد رضا(۱۳۹۶)، **همکاری دولت و ملت و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، دانشگاه معارف اسلامی انوری، حسن(۱۳۸۱)، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، انتشارات سخن.
- تصدیقی، محمدعلی، تصدیقی، فروغ(۱۳۸۹)، **بررسی مؤلفه های امنیت سیاسی و اجتماعی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر امنیت درونی)**، مجله تحقیقات سیاسی و بین المللی. ۲(۲)، ص ۱۷۰-۱۳۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد(۱۳۶۹)، **الصحاح**، تهران: انتشارات امیری دهخدا، علی اکبر(بی‌تا)، **لغتنامه**، تهران، دانشگاه تهران(مؤسسه لغتنامه دهخدا) غرایاق زندی، داود(۱۴۰۲)، **امنیت در اسلام**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فاطمی نژاد، احمد، اسلامی، روح الله(۱۴۰۲)، **امکان یا امتناع حقوق بشر در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر. ۱(۱)، ص ۱۹۹-۲۲۱.
- <https://doi.org/10.22096/hr.2023.551303.1463>
- فلسفی، هدایت‌اله، (۱۳۷۴)، **تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی**، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۷-۱۶، ص ۹۵.
- قاسمی، علی و زهیر(۱۳۹۹)، **امنیت سیاسی، مشهد**، به نشر قاضی‌زاده، علی‌رضا(۱۴۰۱)، **مسائل راهبردی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاتوزیان، ناصر(۱۳۴۷)، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری، چاپ سوم.
- کمالی گوکی، محمد(۱۳۹۴)، **بررسی گفتمان حقوق بشر**، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۲(۵)، ص ۵۸-۵۹.
- کفاش، محمد، گودرزی، مهناز(۱۳۹۸)، **جهانی شدن حقوق بشر: فرهنگ صلح و روابط بین‌الملل**، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر. ۱(۱)، ص ۱۹-۴۲.
- <https://doi.org/10.22096/hr.2018.95128.1080>
- معین، محمد (۱۳۷۵)، **محمد، فرهنگ فارسی**، تهران، امیر کبیر
- موسیان، ابوالفضل(۱۳۸۴)، **ماهیت حق**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- موسی کریمی، مسعود(۱۳۹۹)، **سبستگی «حقوق بشر»**، ۱۵(۱)، ص ۱-۱۳
- یشربی، محمد(۱۳۹۰)، **حقوق سیاسی**، قم، انتشارات علامه بهبهانی.

- Azarnoush, Azartash (2012), **Contemporary Arabic-Persian Culture**, Tehran, Nei Publications.
- Ahmadi, Reza, Salehnia, Ali, Shahbaz, Hassan (2019), **An introduction to the internal security of the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Alfi, Mohammad Reza (2016), **cooperation between the state and the nation and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran**, Tehran, University of Islamic Education.
- Anuri, Hassan (2002), **Farhang Bozorg Sokhon**, Tehran, Sokhon Publications.
- Uftari, Mohammad Ali, Uftari, Forough (2009), **Investigating the components of political and social security in the 1404 perspective of the Islamic Republic of Iran (with an emphasis on internal security)**, Journal of Political and International Research. (2) 2, pp. 135-170 .
- Johari, Ismail bin Hammad (1369), **Al-Sahah**, Tehran: Amiri Publications.
- Dehkhoda, Ali Akbar (Bita), **Dictionary**, Tehran, Tehran University (Dehkhoda Dictionary Institute).
- Gharayag Zandi, Dawood (2023), **Security in Islam**, Tehran, Strategic Studies Research Institute.
- Fatemijad, Ahmad, Eslami, Ruhollah (2023), **the possibility or refusal of human rights in political science and international relations**, two international human rights quarterly. (1) 18, pp. 199-221.
- Philosopher, Hedyatullah, (1995), **Development and Promotion of Human Rights in the International Society**, Legal Research Journal of Shahid Beheshti University, No. 16-17, p. 95.
- Ghasemi, Ali and Zuhair (2019), **Political Security**, Mashhad, beh nashr.
- Ghazizadeh, Alireza (2022), **National Security Strategic Issues of the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Strategic Studies Research Institute.
- Katouzian, Nasser (1968), **Civil Laws**, Tehran, Faculty of Administrative Sciences Publications, third edition.
- Kamali Goki, Mohammad (2014), **Reviewing the Discourse of Human Rights**, Quarterly Journal of Political Thought in Islam, (5) 2, pp. 58-59.
- Kafash, Mohammad, Gudarzi, Mahnaz (2018), **Globalization of Human Rights: Culture of Peace and International Relations**, Two International Quarterly Journals of Human Rights. (1) 18, pp. 19-42
- Moin, Mohammad (1996), Mohammad, **Farhang Farsi**, Tehran, Amirkabir
- Mousaviyan, Abolfazl (2005), **The Nature of Haq**, Tehran, Imam Khomeini's (RA) Editing and Publishing Institute
- Mousavi Karimi, Massoud (2019), **"Human Rights" chapter**, (1) 15, pp. 1-13
- Yathrabi, Mohammad (2011), **Political Law**, Qom, Allameh Behbahani Publications

Conflict between human rights and political security, challenges and solutions

Maryam Moshashaei

Ph.D student in Fiqh and Fundamentals of Law, Department of Political Thought,
BuAli Sina University, Hamadan, Iran

Marzie Pilevar*

Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department,
Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan (pilehvar.ma@gmail.com)

Ali Sadeghi Shahpar

Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department,
Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan

Abstract

Background and purpose: The conflict between human rights and political security is one of the biggest challenges in modern societies, which requires special consideration and attention. Human rights as a right and freedoms that every human being should benefit from as an equal and valuable personality and political security as a means of maintaining security and establishing order in the society and the country plays an effective role and sometimes these two are challenged. . The role of this issue is to provide solutions to resolve the conflicts caused by the challenges.

Method: In the present article, which was carried out using a descriptive-analytical method and based on library studies and analysis of scientific articles, the legal materials related to human rights and political security are examined and the materials available in the literature related to the subject are examined. This review helps us to find out the existing knowledge in this field and introduce important concepts. To conduct the research, it was necessary to collect detailed data and information with the help of library resources and analyze the data to identify patterns, connections and key concepts. Then the research results and conclusions are presented and the research questions have been answered.

Findings: The issue of human rights and political security is of great importance and providing solutions is effective in resolving conflicts between them. Among the ways to solve the conflict between these two issues are the balance between the two elements of human rights and political security, and the development of international cooperation and the strengthening of the judicial system.

The conflict between human rights and political security exists due to challenges. These conflicts include the contradiction of limiting fundamental rights in the direction of political security and indifference to political security in order to preserve human rights. Solutions for resolving these conflicts, including the development of appropriate laws and policies, strengthening international cooperation, promoting the culture of human rights and balancing rights and responsibilities, have been presented. In this article, what challenges and solutions exist in the conflict between human rights and political security? It has been answered and emphasized that by adopting these solutions, the conflict between human rights and political security can be improved and a dynamic and stable society can be achieved. These efforts can help to protect people's fundamental rights as well as maintain security and establish order in modern societies.

Keywords: rights, human rights, political security, international, solutions, conflict

* Corresponding Author